زبان عربی

**** عَيِّن الأنسب فی الجواب للترجمة أو المفهوم من أو إلی العربية:**

۱- «ذلک الکتاب لا ریبَ فیه هدیً للمتّقین»:

۱) آن کتابی است که هیچ شکی در آن نیست و برای پرواکنندگان هدایت است!

۲) آن کتاب، بی‌تردید برای تقواپیشه‌کنندگان هدایت خواهد بود!

۳) آن کتابی که هیچ شکی در آن نیست، برای آن پرهیزگاران هدایتی است!

۴) آن کتاب، هیچ شکی در آن نیست و هدایتی برای تقواپیشه‌کنندگان است!

۲- «إنّی أعرفُه کباحثٍ دؤوبٍ کانَ أهلاً لهذا النّجاحِ فَلم یَشعُر بخیبةِ الأملِ أبداً!»: بی‌شک من .....

۱) می‌دانم که او پژوهشگری باپشتکار است و شایسته این موفقیت بود، چه او ابداً احساس ناامیدی نکرد!

۲) مثل پژوهشگر کوشا هستم و او را می‌شناسم که شایسته این موفقیت بود چه احساس ناامیدی هرگز نمی‌کرد!

۳) او را به‌عنوان یک پژوهشگر باپشتکار می‌شناسم که شایسته این موفقیت بود، پس هرگز احساس ناامیدی نکرد!

۴) می‌دانستم که او محقق کوشایی است که شایسته این موفقیت است، پس تا هرگز احساس ناامیدی نکرده بود!

۳- «وُلدَ فی عام ألفٍ و ثمانمائة و ثلاثةٍ و ثلاثین صبیٌّ صار أعجوبة عصره باختراع حیّر الجمیع!»:

۱) کودکی در سال ۱۸۳۳ متولد شد و شگفتی‌ساز عصر خود گردید به‌وسیله اختراعی که همگان، حیرت‌زده شدند!

۲) در سال ۱۳۸۸ پسربچه‌ای زاده شد که اعجوبه عصرش شد، و با اختراع او همگان حیرت‌زده شدند!

۳) کودکی در سال ۱۳۸۸ به دنیا آمد و شگفتی‌ساز در عصر خود شد و با اختراع خود همه را متحیر نمود!

۴) در سال ۱۸۳۳ کودکی زاده شد که با اختراعی که همگان را متحیر نمود، شگفتی‌ساز عصر خویش شد!

۴- «لم یکن نوبل یُحِبُّ أن یُلَقَّبَ بتاجر الموت إذن منح ثروته إلی الفقراء نادماً لیعوِّض أخطاءه»: نوبل .....

۱) لقب تاجر مرگ را دوست نداشت، پس با پشیمانی ثروت خویش را به فقرا بخشید تا اشتباه خود را جبران نماید!

۲) دوست نمی‌داشت که به او لقب تاجر مرگ بدهند، از این رو، دارایی خود را به فقرا داد تا خطاهایش جبران شود!

۳) دوست نداشت که به تاجر مرگ ملقب گردد، پس به فقیران ثروتش را بخشید تا خطاهایش را جبران کرده باشد!

۴) دوست نمی‌داشت که به تاجر مرگ لقب داده شود، بنابراین با پشیمانی دارایی‌اش را بخشید تا خطاهایش را جبران نماید!

۵- «قدرُ کلِّ امرئٍ ما کان یُحسِنُه / و للرّجال علی الأفعال أسماء!»:

۱) قدر هر انسانی به احسانی نیست که انجام می‌دهد، نام مردان برگرفته از کارهایشان است!

۲) ارزش آدمی به هر چیزی است که او آن را خوب انجام دهد و برای مردان به خاطر اعمال، نام‌هایی است!

۳) ارزش هر انسانی به آن چیزی است که آن را به خوبی انجام می‌دهد، و مردان به خاطر کارها، نام‌هایی دارند!

۴) قیمت هر آدمی به آن مقدار احسانی است که می‌کند، مردمان با عمل‌ها نامگذاری می‌شوند!

۶- «أیّها النّاس، لا تَزعَموا أنّکم خُلِقتُم مِن شیء غیر التّرابِ، فَبِمَ تفخرون؟!»:

۱) ای مردمان، گمان نکنید که خلقت شما از چیزی غیرخاک بوده است، پس چرا فخر می‌فروشید؟

۲) ای مردم، نپندارید که شما از چیزی غیرخاک آفریده شده‌اید، پس به چه چیزی فخر می‌فروشید؟

۳) ای مردمان، فکر نکنید که آفرینش شما از غیرخاک بوده است، پس به چه افتخار می‌کنید!

۴) ای مردم، نپندارید که شما از غیر از خاک خلق شده‌اید، پس چرا فخر می‌فروشید؟

۷- «لا تنظر إلی صغر جسم ابن آدم فانطوی فیه کثیرٌ من الأسرار الّتی لا نهایة لها!»:

۱) کوچکی جسم آدمیزاد را نبین، پس در آن رازهای زیادی در هم پیچیده شده و هیچ پایانی برای آن نیست!

۲) به خردی جسم فرزند آدم نگاه نکن، زیرا بسیاری از رازها در او پیچیده شده که پایانی برایشان وجود ندارد!

۳) به کوچکی جسم آدمیزاد ننگر، چه در او بسیاری از اسراری که هیچ پایانی ندارد پیچیده شده!

۴) جسم آدمیزاد را، کوچک نبین، پس بسیاری از رازهای در هم پیچیده شده در جسمش، پایانی ندارد!

۸- عَیِّن الخطأ:

۱) حُوِّلَ شقُّ القنوات و حَفرُ الأنفاقِ بالتّقنیةِ الجدیدة: تکنولوژی جدید، شکافتن کانال‌ها و حفر تونل‌ها را دگرگون کرد!

۲) علینا أن نَهتمَّ بتربیة الصّبیانِ أکثر منذ الطّفولة: ما باید به تربیت کودکان از کودکی بیش‌تر اهتمام ورزیم!

۳) ما للمؤمنِ و نَعیمٍ یفنی و لذّةٍ لا تبقی: مؤمن را چه کار با نعمتی که نابود می‌شود و لذتی که نمی‌ماند؟!

۴) إنّ الدّنیا لأهونُ مِن ورقةٍ فی فم جرادةٍ: بی‌شک دنیا، از برگی در دهان ملخی، پست‌تر است!

۹- عَیِّن الخطأ:

۱) یا صدیقی! عندما تَحزنُ مِنَ النّظرِ إلی الماضی: ای دوست من، وقتی از نگاه به گذشته ناراحت می‌شوی،

۲) و تَخافُ ممّا سَیَحدُثُ لکَ فی المُستقبلِ: و از آن‌چه برایت در آینده رخ می‌دهد، می‌ترسی،

۳) أنظُر إلی مَن وَقَفَ بجانبک، فَصدیقکَ الحَمیمُ: بنگر به کسی که کنارت ایستاده است، پس دوست صمیمی‌ات،

۴) یکونُ هناک لحمایتکَ فَلا تهتمَّ بِالصَّداقة الکاذبة!: برای حمایت تو آن‌جا می‌باشد، پس به دوستی دروغین اهمیت نده!

۱۰- «به شخص حقیری که به تو دشنام می‌دهد نگاه نکن و با او سخن مگو زیرا این کار هیچ خیری در آن نیست!» عَیِّن الصحیح:

۱) لا تنظر إلی الشخص المُهان یسبّک و لا تُحدّثه لأنّ هذا العمل لا یوجد فیه خیر!

۲) لا تبصر شخصاً ذلیلاً یشتمک و لا تُکلّمه لأنّ هذا العمل لیس خیر!

۳) لا تبصر الشخص الذلیل یشاتمک و لا تحدّثه فإنّ هذا عملٌ لا خیر فیه!

۴) لا تنظر إلی شخصٍ مُهانٍ یسبّک و لا تحدّثه فإنّ هذا العمل لا خیر فیه!

**** اقرأ النّصّ التّالی ثمّ أجب عن الأسئلة بما یناسب النّصّ:**

النّحلة موجودة عجیبةٌ فخلق الله لها ما یحیّرنا عندما نطالع عنها. إحدی خصائصها العجیبة هی أنّ لها لیست عینان، بل خُلقت لها عیونٌ کثیرة تسمح لها سعة أفق فی النّظر؛ فلذلک نری أنّ أکثر النّحلات ترجّح العیش فی مناطق مملوءة بالغیوم رغم أنّها تحتاج إلی نور و ضیاء الشّمس حتّی تستطیع أن تجد حقولاً تشبع بأزهارها و ورودها و تصنع العسل. تختار النّحلات هذه الأمکنة حتّی تبقی حیّاً عندما تختفی الشّمس خلف الغیوم. للنّحلة أنواع و لکلّ منها واجب خاصّ بها؛ بعض منها تکون واقفة دائماً عند باب الخلیّة (کندو) حتّی تمنع الحشرات الأخری من الدّخول إلیها و تؤدّی دور البوّاب؛ و عندما شعرت برائحة کریهة عند دخول النّحلات الأخری فی الخلیّة أو شاهَدَت تلوّثاً فی جسمها، فتمنع دخولها حتّی یدخل الجمیع فی الخلیّة؛ ثمّ تنتظر مدّة حتّی تتنظّف النّحلات من التلوّث و تسمح دخولها فیها.

۱۱- عَیِّن الصّحیح:

۱) یتغذّی النّحل بالحقول التی تختفی خلف السحاب!

۲) سعة أفق النحل فی الرؤیة تجعله یعیش فوق السحاب!

۳) النّحل لایحتاج إلی السحب إلا لمجیء الأمطار!

۴) الشّمس لیست ضروریة للنحل للبحث عن الطّعام!

۱۲- لِمَ یعیش أکثر النّحلات فی المناطق الغائمة (ابری)؟ لأنّه .....

۱) یحتاج إلی سعة الأفق و انتشاره!

۲) یموت جوعاً فی حالة اختفاء الشمس خلف السحاب!

۳) یستطیع أن یری بعیونه الکثیرة!

۴) لایجد الأجواء النقیة و الأزهار المعطّرة إلا هناک!

۱۳- عَیِّن الخطأ: النّحلات .....

۱) لاتمنع عن الدّخول فی الخلیّة إلا المطهّرون!

۲) تحتاج إلی من یطهّرها عند دخول الخلیة!

۳) تبحث عن الغذاء فی الأجواء الصافیة و غیر الصافیة!

۴) لو لم تحتاج إلی الطعام لَمَا جعل الله لها عیون کثیرة!

۱۴- عَیِّن ما لایناسب النص:

۱) العالم مملوء بالعجائب!

۲) المصائب لاتأتی جمیعاً!

۳) الأمراض تأتی من التلوّث!

۴) خلَق الله کل شیء علی مقدار!

**** عَیِّن الخطأ فی الإعراب و التّحلیل الصّرفی:**

۱۵- «خُلِقت»:

۱) من الأفعال الماضیة ـ لیس له حرف زائد ـ یأخذ المفعول / فعل و نائب فاعله «عیون»

۲) مضارعه «تُخلَق» ـ مجرد ثلاثی ـ مادّته «خ ل ق» / فعل و فاعله محذوف

۳) للغائبة ـ اسم فاعله «خالق» ـ لازم / فعل و له فاعل قد حذف

۴) للغائبة ـ متعدّ ـ مجهول / فعلٌ و نائب فاعله «عیون» و الجملة فعلیّة

۱۶- «ترجّح»:

۱) مضارع ـ للغائبة ـ معلوم / فعل و مع فاعله جملة فعلیّة

۲) مزید ثلاثیٌّ ـ مصدره «ترجیح»ـ متعدّ / فعلٌ و فاعله «العیش»

۳) ماضیه «رجَّحت» ـ له حرف زائد ـ من باب تفعیل / فعلٌ و مفعوله «العیش»

۴) من الأفعال المضارعة ـ مزید ثلاثی من باب تفعیل ـ متعدّ / فعل و الجملة فعلیّة

۱۷- «البوّاب»:

۱) مفرد ـ اسم المبالغة ـ مادته «ب وب» / مضافإلیه

۲) مفرد و یجمع علی «البوّابین أو البوّابون» ـ معرّف بأل / مضافإلیه للمضاف «دور»

۳) اسم المبالغة (للدّلالة علی الآلة) معرب ـ علی وزن «فعّال» / مضافإلیه و مجرور بالکسرة

۴) اسم ـ مذکر ـ معرّف بأل ـ معرب / مضافإلیه للمضاف «دور» و مجرور بالکسرة

**** عَيِّن المناسب فی الجواب عن الأسئلة التالية:**

۱۸- عَيِّن الخطأ فی ضَبط حَركات الحروف:

۱) الفَلّاحُ يَزرعُ القَمحَ فی مَزرِعَتِهِ مُبتَسَماً!
۲) كلُّ طعامٍ لا يُذكَر اسمُ الله عليه لا بَرَكَةَ فيه!
۳) لا تَجتَمِع خَصلَتانِ فی مؤمنٍ: البُخلُ و الكِذبُ!
۴) لا تَسبُّوا النّاسَ فَتَكتسِبوا العَداوةَ بينهم!

۱۹- عَيِّن الخطأ:

۱) الحَديد: عنصر فلزیّ موصّل الحرارة و الكهرباء!
۲) الطّين: التّراب الذی قد اختلط بالماء!
۳) العِظام: أكابِرُ قوم يقوم النّاس من مكانهم احتراماً لهم!
۴) العصّارة: وسيلة لأخذ ماء الفواكه!

۲۰- عَيِّن اسمَ فاعل يَكون حالاً:

۱) يكون المُسلم الحقيقیّ مِن المُنتظِرين لِفرج الإمام الثّانی عشر!
۲) حسبت زَميلتی الممتازة آمِرةً بالمعروف و ناهيةً عنِ السّيّئات!
۳) شاهدتُ صديقتی أمام باب المكتبة و هی واقفة جنب شجرة!
۴) استغفرتُ الله لِأعمالی القبيحة فی ليلة القدر مُعترفةً بارتكابِها!

۲۱- عَيِّن الخطأ فی تعيين نوع «لا»:

۱) يا طلّابُ عليكم أن لا تَكتبوا علی أشجار الغابة الجميلة شيئاً: «ناهية»
۲) لن يتحمّل مشاكل الحياة مَن لا صبر له عند المَصائب: «نافية للجنس»
۳) مَن لا يقدر علی حلّ هذه المَسائل السّهلة يرسبُ فی الامتحان: «نافية»
۴) لا رجاء للتّلميذ الكَسل للنّجاح فی امتحانات آخر السّنة: «نافية للجنس»

۲۲- عَيِّن ما فيه الحال:

۱) كان تلاميذ الصّفّ الحادی عشر مِن المُشتاقين إلی التّعلّم!
۲) بعد التّكلّم معک صِرنا مُشتاقين إلی تعلّم اللّغة العربيّة!
۳) ربّنا اجعل أبناءنا الأعزّاء مُشتاقين إلی خدمة المحرومين!
۴) نذهب إلی مدرستنا الكبيرة مُشتاقين إلی الدّراسة و التّعلّم!

۲۳- عَيِّن (ان) يؤكّد الجملة بأجمعها:

۱) لا شكّ ان زميلنا الممتاز قادر علی حلّ تلک المسئلة!
۲) نصح العالم المجتهد الشّباب بان يتعلّموا العلم النّافع!
۳) ان تعلُّم اللّغة العربيّة يُساعدُكم فی فهم المُصحف!
۴) هل تظنّونَ ان الإنفاق يحوّلكم إلی النّاس الفقراء!

۲۴- عَيِّن الخطأ (حسب قواعد الحال):

۱) بَعدَ سماعِ خبرِ وَفاة أحدِ الأفاضل جَلستُ فی زاوية مِن بيتنا محزوناً!
۲) مُجاهدونا الشّجعان دافعوا عَن الوطن أمام الأعداء مُتوكّلين علی ربّهم!
۳) قبل ساعة رجَعتْ أخواتی العزيزات مِن مَنزل جدّتنا المُعمّرة مسرورينَ!
۴) أحبّتی يُساعدون المساكين و هُم يَشكرون ربّهم لتوفيق الخدمة!

۲۵- عَيِّن خبر الحروف المشبّهة بالفعل فعلاً:

۱) لعلّ أجوبتی عَن أسئلة صعبةٍ طَرحها معلّم الهندسة صَحيحةٌ!
۲) يا ولدی العزيز اجتنبوا الكذّاب فَإنّه كَسرابٍ يُقرّب عليک البعيد!
۳) أخدمِی الضّعفاء و اعلمی أنّهم مُواطنون يحتاجون إلی العون!
۴) قال المُعلّم: لَيتَ تلاميذ الصّفّ المُشاغبين ينتهبونَ مِن نوم الغفلة!